



بهترین روش در تربیت کودکان

مجید مهدوی



انتشارات انتظار سبز

بهترین روش در تربیت کودکان

چهارمین جلد

انتشارات انتظار سبز

فرهنگسرای المهدی - امیرحسین چوبانی

فرهنگسرای المهدی (عج)

آسمان

جلد ۵۰۰۰

۸ - ۴۷ - ۸۲۶۰ - ۹۶۴

اول - زمستان ۸۲

۱۰۰۰ تومان

ناشر :

طرح روی جلد:

حروف چینی و صفحه آرایی

لیتوگرافی :

شمارگان :

شابک :

نوبت چاپ :

قیمت :

«حق چاپ برای فرهنگسرای المهدی (عج) محفوظ می‌باشد»

فهرست

صفحه	عنوان
۵	مقدمه
۵	تربیت
۱۳	مراحل تربیت
	بخش اول
۱۵	ارکان اصلی تربیت
۱۶	یادگیری یا پیام تربیتی
۱۹	موقعیت یادگیری یا شرایط انتقال پیام تربیتی
۲۰	روشهای تعلیم و تربیت
۲۱	ویژگیهای مربی
۲۳	ارزیابی و ارزش سنجی
	بخش دوم
۲۷	برنامه‌های تربیتی قبل از تولد
۲۸	تربیت و ساختار جسمی و روحی فرزند
۳۵	مراقبتهای قبل از ازدواج
۳۹	عوامل درونی انسان برای تربیت
۴۷	ریشه سستی چیست؟
۴۸	عوامل سستی انسان
	بخش سوم
۵۳	تربیت بعد از تولد
۵۹	نکات تربیتی مربوط به دوران تولد تا دو سالگی
۶۴	تأثیر بهداشت بر فرزند
۶۶	غذای حلال
۶۷	تأثیر غذا بر حالات و رفتار کودک

فهرست

صفحه	عنوان
۶۸	نام نیکو
۶۸	مراقبت و نظارت در نوع بازیهای فرزند
۷۲	زمان بازی
۷۲	کیفیت بازی
۷۴	عادت دادن کودکان به صفات نیکو
۷۴	تقسیم‌بندی کودکان براساس استعدادپذیرش مطالب تربیتی
۷۵	ویژگی‌های افراد تیزهوش
۸۵	ویژگی‌های پدر و مادر
۸۷	تربیت حواس کودک
۸۹	تربیت قوه تخیل کودک
۹۲	تربیت شخصیت
۹۳	تکانه مؤثر در تربیت شخصیت کودک
۱۰۰	ارائه مسائل زیبا
۱۰۸	ویژگیهای مشخص و شخصیتی پدر و مادر
۱۱۰	مباحث تربیتی برای کودکان
۱۱۱	عوامل مؤثر در آموزش دینی و اخلاقی کودکان
۱۱۱	تکانه درباره خصوصیات فردی
۱۲۵	نقش دوست در تربیت انسان
۱۳۲	استفاده تربیتی از رفیق
۱۳۹	عامل رفاقت در تربیت
۱۵۴	موانع تربیتی

مقدمه

به امید اینکه انشاء الله در پرتو عنايات خداوندی، موفق شویم یک دوره مبانی تعلیم و تربیت را از منابع اسلامی و قرآنی بررسی کنیم و از خداوند متعال درخواست توفیق داریم که در پرتو عمل به این فرامین و دستورات، شاهد یک جامعه پویا، تربیت یافته و دست یافته به معارف تربیتی قرآن کریم و اسلام باشیم.

□ تربیت

قبل از هر صحبتی لازم است که واژه تربیت معنی گردد. تربیت عبارت است از: «شکوفه شدن و به فعلیت رسیدن استعدادهای بالقوه یک موجود» بنابر این اگر موجودی اصلاً استعداد نداشته باشد تربیت در او غیر ممکن است مثلاً این میز، استعداد فراگیری مطالب علمی را ندارد بنا بر این معنا ندارد که بگوییم: این میز را تربیت کردیم و مسائل علمی را به او تعلیم دادیم. ملائکه چون استعداد ندارند و فعلیت محض اند، تربیت آنها هم منتفی می باشد. در جایی این مسأله مطرح است که زمینه

استعداد و بالقوه بودن موجود باشد. در انسان چون زمینه موجود است و از آن جا که وی از بدو تولد، یک مجموعه گسترده استعداد است بنابر این مسأله تربیت در مورد انسان صدق می کند. گاهی گونه هایی از حیوانات نیز، استعدادهایی از خود بروز می دهند.

در این جا سؤالی مطرح می شود که انسان چقدر استعداد دارد که بتواند تربیت شود و به کمال حقیقی برسد.

گروهی از روانشناسان در تحقیقات و نتایج علمی خود به این نتیجه رسیده اند که هر انسانی (چه مرد و چه زن چه پیر و چه جوان) دارای استعدادی برابر ۱۰ به توان ۸۰۰ می باشد، در حالی که تعداد سلولهای موجود در کره زمین برابر ۱۰ به توان ۱۰۰ است یعنی هر انسان هشت برابر تعداد سلولهای دنیا استعداد دارد.

به گفته روانشناسان زمانی انسان به تربیت کامل می رسد که این ۱۰ به توان ۸۰۰ استعداد را به فعلیت برساند. هر اندازه که از این مقدار پایین تر بیا ییم به همان اندازه از تربیت باز می مانیم در این جا این سؤال را از خود می کنیم که "چقدر از این استعدادها را به فعلیت رسانده ایم؟" به هر مقدار که به فعلیت

رسانده باشیم به همان مقدار می توانیم ادعا کنیم که تربیت شده ایم.

اما جالب است که نظر قرآن را هم در این باره بدانیم؛ از نظر قرآن استعداد انسان ۱۰ به توان (مثبت و منفی) بی نهایت است، آن هم در تمام ابعاد.

﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلَائِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَاءِ هَؤُلَاءِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ﴾.

آیا ۱۰ به توان مثبت و منفی بی نهایت؟ آری، هر دو را دارد. که یک انسان در مسیر کمال به جایی می رسد که ﴿دَنَى قَتَدَلَى فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَى﴾ یعنی عالیتین مرحله تکامل است و آن نزدیک شدن به بی نهایت مطلق که همانا خداوند متعال است می باشد. این بعد مثبت استعداد انسانی است.

در مسیر رذالت و پستی هم می تواند به جایی برسد که هیچ موجودی به پای او نرسد.

﴿أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا﴾.

اساس تربیت از دیدگاه قرآن این است که انسان ظرفیتهای مثبت وجودی خویش را به فعلیت برساند.

این موضوع فقط اختصاص به انسان دارد و هیچ موجودی دارای چنین ظرافت وجودی نیست. پس نتیجه می‌گیریم که هدف اصلی تربیت این است که انسان از استعداد و بالقوه بودن و از سکون و بی حرکتی به فعلیت و حرکت و پویایی مداوم تبدیل شده و به سمت بی نهایت حرکت کند.

تمام دستوراتی که ما در روایات و قرآن کریم می‌بینیم در زمینه تربیتی انسان، همه در مسیر حرکت به سوی بی نهایت است.

جای تأسف است که در این محدوده زمانی که از عمر ما سپری شده است از استعدادهای بالقوه وجودمان هیچ استفاده نکرده ایم، در حالی که هدف خلقت انسان در زمین؛ این است که به این منتهای تربیت برسد. ما می‌توانیم با برنامه ریزی صحیح و با الگو پذیری از دستورات شرع مقدس، - اسلام و روایات- خودمان و فرزندانمان را به جایی برسانیم که از استعداد بی نهایت برخوردار بوده و در راه رسیدن به فعلیت و شکوفایی بی نهایت قدم برداریم.

اکنون نظر خوانندگان محترم را به چند نمونه تاریخی جلب می‌کنم. علامه حلی یکی از دانشمندان برجسته جهان تشیع است که در همه زمینه ها، دارای آثار و تألیفات گرانمایه‌ای می‌باشند

فرزند برومند ایشان فخر المحققین است. ایشان نه تنها در ۹ سالگی به مقام بزرگ و منیع اجتهاد رسیدند، بلکه قدرت تجزیه و تحلیل و نقد و بررسی افکار پدرشان علامه حلی را نیز دارا بودند، حتی بالاتر از آن در رشته های مختلف منطق، فلسفه، فقه، اصول، کلام، ادبیات، معانی و بیان دارای تخصص بودند ایشان کتابی نوشته اند به نام *ایضاح القواعد*؛ این کتاب شرحی بر کتاب «قواعد» پدرشان، مرحوم علامه حلی می باشد، در ضمن، خود کتاب قواعد علامه حلی در شصت سالگی به رشته تحریر در آمده بود.

ایضاح القواعد کتابی است اجتهادی بر اساس مبانی فقهاتی علامه حلی. آقای فخر المحققین این کتاب را شرح کرده و نقد نموده اند که در سه جلد جمع آوری شده است. پایان این کتاب با دست خط خودشان نوشته اند: تم الكتاب و انا ابن تسع. انتقادهایی که در این کتاب است به اندازه ای قوی و محکم است که هم اکنون فقها و مراجع نسبت به نظرهای فخر المحققین در ایضاح اظهار نظر می کنند و در مسأله نقد و بررسی محور افکار آنهاست.

آیا ما پدران و مادران می توانیم شاهد فرزندانی باشیم که حد اقل در این مرتبه قرار گیرند که همچون فخر المحققین در کودکی استعدادهای ایشان شکوفا شده باشد؟

اگر با به کار گیری مبانی تربیتی و انجام امور تربیتی که در قرآن و روایات به آن اشاره شده باید حرکت کنیم، جواب آن قطعاً مثبت خواهد بود بلکه با انجام دستورات اسلامی می توانیم شاهد وجود فرزندانی باشیم که می توانند به مراتب از فخر المحققین بالاتر باشند.

نمونه دیگر تاریخی علامه مجلسی است. محمد باقر مجلسی فرزند علامه محمد تقی مجلسی می باشد. ایشان در شش سالگی مجتهد بوده و در هفت سالگی حافظ قرآن شده اند. شکوفایی استعداد ایشان به قدری زودرس بوده که در همان ایام کودکی از حافظه خود در مباحث قرآنی استفاده می کرده و حتی گاهی سر به سر پدرشان می گذاشته اند. گفته اند زمانی که ایشان در زمان کودکی بوده گاهی پدرشان را اذیت می کرد یک بار پدر ایشان تصمیم می گیرد که وی را ادب کند، محمد باقر متوجه می شود و فرار می کند، پدر هم به دنبال ایشان می دود تا به کوچه بن بستی می رسند وقتی پدر به او نزدیک می شود تا او را بگیرد، محمد باقر سریع، آیه سجده داری را می خواند پدر وی مجبور

می شود که به سجده برود چون خودش مکلف نبوده سجده نمی کند و از روی پدر پرشی می کند و بعد هم فرار!

قرآن و روایات مدعی هستند که اسلام دارای مبانی تربیتی است که می تواند در اختیار بشر قرار گیرد و تحت این مبانی تربیتی همگان بدون استثنا دارای فرزندانی باشند که به مراتب بالاتر از علامه مجلسی ها و فخر المحققین ها و درخشان ها باشند. این شخصیت یعنی آقای درخشان کسی است که پدرایشان استاد دانشگاه امام صادق تهران است خود ایشان از نظر شکوفایی استعداد، شخص فوق العاده ای هستند.

به عنوان مثال آقای درخشان تمام مطالب شرح منوی علامه محمد تقی جعفری را با ذکر صفحه و سطر در حافظه داشت. در حالی که شاگرد کلاس پنجم ابتدایی بود در کلاس درس فلسفه علامه جعفری در دانشگاه صنعتی شریف شرکت می کرد و در امتحان پایان ترم، عالیترین رتبه را در بین دانشجویان به دست آورد. ایشان در دانشگاه یک سخنرانی درباره عرفان انجام دادند و پس از آن که نوار این جلسه در اختیار علامه جوادی آملی قرار گرفت ایشان فرمودند: آقای درخشان متخصص در عرفان هستند.

ادعای بنده این است که از دستورات اسلامی، از دستورات قرآن و روایات می توان در مسیر تربیت و شکوفایی استعداد به

اندازه ای استفاده کرد که همه خانواده ها دارای تمامی فرزندانی همانند محمد حسین طباطبایی شوند، به شرط این که تمام مسائل اسلامی در زمینه تربیت مو به مو اجرا شود.

متأسفانه پدران و مادران، در امر پرورش استعدادهای فرزندان شان کوتاهی می کنند.

مبانی تعلیم و تربیت دو شاخه دارد:

۱. آنچه مربوط به فرزندان ماست.
۲. آنچه مربوط به پدر و مادر است.

در این زمینه که مباحث تربیتی متوجه فرزندان ماست پدر و مادر نقش و تأثیر بسزایی دارند. در مبانی اسلامی به دستوراتی بر می خوریم که تأکید شده تربیت فرزند باید قبل از تولد آغاز گردد.

یکی از روانشناسان ادعا کرده بود، تربیت فرزند باید ده سال قبل از تولدش صورت بگیرد اگر از اسلام سؤال کنیم باز نظر جدیدی را می شنویم. اسلام می گوید: جد و پدر جد و... در زمینه تربیت فرزند شما مؤثر است.

□ مراحل تربیت

لازم به ذکر است که تربیت دارای سه مرحله است:

الف: قبل از تولد

ب: هنگام تولد

ج: بعد از تولد

قبل از آن که به مراحل سه گانه تربیت اشاره کرده و به توضیح و تشریح هر کدام بپردازیم لازم است به عنوان مقدمه به اصول و ارکان اصلی تربیت بپردازیم و به صورت مختصر هر کدام را جداگانه توضیح دهیم.